

اصول و مفاهیم برنامه ریزی در ابعاد توسعه شهری

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۵۸-۵۰

فرح اصل خداپسند^۱، زهرا شوکتی^۲

^۱کارشناس ارشد-دانشگاه تبریز

^۲کارشناس ارشد-دانشگاه تبریز

نویسنده مسئول:

فرح اصل خداپسند

چکیده

برنامه ریزی بر اساس موضوع در سه شاخص اقتصادی، اجتماعی و نیروی انسانی قابل تقسیم بندی است که عمدتاً در جهت توسعه می باشد. برنامه ریزی های توسعه عمدتاً در دو محدوده زمانی کوتاه مدت و بلندمدت تدوین می شوند. که این برنامه های چشم انداز، دربردارنده اهداف کلیدی توسعه می باشد و به تناسب آن برنامه های کوتاه مدت در راستای تامین اهداف بلند مدت تدوین می شوند. لازم به ذکر است که برخی اصول اساسی شامل سازگاری، هماهنگی، پایداری حرکت توسعه، اثربخشی، استفاده از توان علمی و تجربی جامعه و ... باید در روح برنامه ریزی توسعه حاکم باشد. رشد جمعیت شهرنشین و افزایش مهاجرت به شهرها، منجر به توسعه غیر قابل کنترل نواحی شهری، کاهش سطح رفاه انسانی، نیل به سمت حومه نشینی و بروز مشکلات فراوان برای مدیران مختلف شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه شده است. برنامه ریزی توسعه نقش مهمی در موفقیت و برنامه ها و طرح های توسعه شهری بر عهده دارند و با ارائه راه حل هایی در مقابل الگو سنتی و کالبدی و اجتماعی، اقتصادی توسعه را شامل می گردد، که بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب اکوسیستم ها، رواج بی عدالتی ها، آلودگی، افزایش بی رویه جمعیت و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان ها جلوگیری کند. این پژوهش اصول و مفاهیم برنامه ریزی را در ارتباط با توسعه شهری مورد بررسی قرار می دهد.

کلید واژه ها: برنامه ریزی، رشد و توسعه، توسعه شهری، توسعه پایدار شهری.

مقدمه

در عصر جدید با رشد و گسترش سریع شهرنشینی و افزایش شتابان جمعیت شهری مشکلات بشماری را برای شهرها بوجود آورده است، از جمله اینها: تخریب محیط زیست شهری، عدم دسترسی مناسب شهروندان به خدمات شهری، وجود کاربریهای شهری ناسازگار با سایر کاربریها، فقدان عدالت اجتماعی و... که در نتیجه این مشکلات لزوم توجه به برنامه ریزی و مدیریت شهری، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. به طوریکه الگوهای نوین برنامه ریزی، جنبه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و مدیریتی را مرور و راهبرد توسعه را در جهت کاهش مشکلات مطرح می کند. می توان گفت برنامه ریزی و تصمیم گیری، برای نیل به اهداف توسعه مکمل اند اما نوع اتخاذ تصمیم نیز نقش به سزایی ایفا می کند (جوادی، ۱۳۸۷). با وجودی که تصمیم گیری به کلیه وظایف مدیریتی مربوط می شود، اما اساس برنامه ریزی به شمار می آید و نمی توان گفت برنامه ای وجود دارد بدون اینکه تصمیمی گرفته شده باشد. از این رو، تصمیم گیری از ارکان اساسی فعالیت های مدیریتی به شمار می رود چرا که هر مدیری برای اجرای هر یک از وظایف خود، همواره با مواردی مواجه می شود که نیاز به تصمیم گیری دارد.

مفهوم برنامه و برنامه ریزی شهری در عمل بسیار ابهام آور و تفسیرپذیر است. برنامه ریزی شهری دارای حوزه عمل و وظایف خاصی است که مبتنی بر نظریه ها و روش های ویژه است. و عبارت است از تأمین رفاه شهرنشینان از طریق ایجاد محیطی بهتر، مساعدتر و سالم تر. در واقع جهت تأمین نیازهای خدمات شهری، در نظر گرفتن عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی در یک سیستم برنامه ریزی شهری جامع و پویا، مشخص کردن سیاست ها و برنامه های توسعه شهری، هماهنگ کردن آن ها با سایر برنامه های عمرانی در سطح منطقه و کشوری و تنظیم برنامه ها و طرح ها در دوره زمانی معین است. و مکانیزم اقتصادی شهر که به صورت ارزش زمین، اجاره بها، مخارج ساختمان و غیره، مکانیسم اجتماعی شهر شامل سنت ها، عادات اجتماعی، فرهنگ و مذهب و مکانیسم کالبدی و تقسیمات ناشی از آن را مورد مطالعه قرار می دهد (Boggia, 2010). یعنی با آینده نگری خاصی که در جهت توسعه آینده شهر دارد، می تواند با بهره گیری از آمار و اطلاعات و در دست داشتن نبض های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر به تجزیه و تحلیل مسائل شهر پرداخته و با بهره گیری از امکانات و یا به حداقل رسانیدن و یا کاهش محدودیت ها، با ارائه طرحی جامع دقیق و گویا با دربرداشتن کلیه امکانات رفاهی به پیشنهادات لازم بپردازد.

اصول برنامه ریزی توسعه شهری بر پایه تعریف ها، پایه های نظری و تجربه های جهانی آن ردیابی شده تا بتوان چارچوبی انگاشتی پیشنهاد کرد که بر پایه آن، سیستم برنامه ریزی شهرها و شرایط، مشکلات، و بازدارنده های پایه گذاری توسعه شهری، با استفاده از سازوکار برنامه ریزی تحلیل و سپس معرفی گردد. با نگرانی روزافزونی که در همه بخش های جهان به دلیل رشد مداوم شهرها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی وجود دارد، چنین رشدی احساس می شود، نقش فرهنگ در بافت شهری با شفافیت بیشتری به رسمیت شناخته می شود (Graham, 2015). نخستین بار چند دهه قبل بود که اهمیت هنرها در حیات اقتصادی شهر و به عنوان کاتالیزوری برای احیای شهری به رسمیت شناخته شده است. اخیراً این علاقه گسترشی افتاده تا مسائل گسترده تر بافت فرهنگی شهری، ارزش های اجتماعی و دورنمای بازاندیشی برنامه ریزی شهری در راستای خط مشی های حساس به زیست محیط و فرهنگ را در برگیرد. پایه گذاری توسعه شهری در سده بیست و یکم میلادی به منزله شکل نوین توسعه شهری که ظرفیت دستیابی به رفاه اقتصادی و نظم فضایی اجتماعی پایدار را برای شهرها دارد نه فقط به شدت به کارگیری رهیافت های مناسب برنامه ریزی شهری و سازوکارهای مرتبط با آن وابسته است، بلکه خواستار خصلت های نوینی از سیستم و سازوکار برنامه ریزی شهری است. برنامه ریزی شهری، پویاست و علت پویایی آن ارتباطش با شهر به مثابه یک موجود زنده است. برای مثال مکانیسم اقتصادی که به صورت ارزش زمین، اجاره بها، مخارج ساختمان و غیره سبب تحرک شهر می شوند بخشی از نظام پویای شهری است که در کنار ابعاد اجتماعی، کالبدی، مدیریتی، زیست محیطی کلیت شهر را تشکیل می دهند (زیاری، ۱۳۸۲). می توان با آینده نگری خاصی در جهت توسعه شهر، با بهره گیری از آمار و اطلاعات و در دست داشتن نبض موضوعات اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی شهر، به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته و با بهره گیری از امکانات و تبدیل محدودیت ها به فرصت ها، با ارائه طرحی جامع و گویا با در نظر داشتن کیفیت برتر زندگی برای شهروندان به ارائه پیشنهاد می پردازد. مطالعه مفاهیم و کلیات می تواند از دیدگاه های مختلفی مانند مطالعات تاریخی، چگونگی رشد شهر یا عوامل مؤثر در توسعه ادواری آن، بررسی های اقتصادی، خصوصیات مسکن و معماری شهر، بررسی راه ها و ارتباطات شهری، تأسیسات مختلف زیربنایی و عمومی و فرهنگی و اجتماعی مورد ارزیابی واقع شود.

برنامه ریزی

برنامه ریزی، فرایند تفکر در رابطه با فعالیت های لازم برای رسیدن به هدف مطلوب است. برنامه ریزی اولین و مهم ترین فعالیت لازم برای دستیابی به نتایج مطلوب است. بسته به فعالیت ها، هر برنامه می تواند که بلندمدت، میان مدت یا کوتاه مدت باشد. برای مدیرانی که در جستجوی حمایت های

بیرونی هستند، برنامه‌ریزی، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین و آسان‌ترین سند برای رشد است. برنامه‌ریزی می‌تواند، نقش مهمی در کمک به جلوگیری از اشتباهات یا تشخیص فرصت‌های پنهان بازی کند. برنامه‌ریزی به پیش‌بینی آینده و ساختن آینده تا حدودی قابل تصور کمک می‌کند. متخصصین و کارشناسان از زوایای متعدد برای برنامه‌ریزی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها از این قرار است:

- تعیین هدف، یافتن و ساختن راه وصول به آن،
- تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کارهایی باید انجام گیرد،
- تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند (Habermas, 1394)،
- طراحی عملیاتی که موضوعی را بر مبنای شیوه‌ای که از پیش تعریف شده، تغییر بدهد،
- فرایند تفکر قبل از عمل

در برنامه ریزی های شهری، برنامه‌ریزی در واقع شاخه مهمی از جغرافیای کاربردی است و نه تنها باید این باز شناخته شود که جغرافی دان می‌تواند کمک ارزشمندی به برنامه‌ریزی بکند و سهم واقعی در برنامه‌ریزی دارد بلکه جغرافی دانان باید تأثیر بیشتری روی حرفه‌ی برنامه‌ریزی داشته باشند. یکی به این سبب که در سال‌های اخیر، نگرانی‌های برنامه‌ریزان گسترش یافته است تا توجه بیشتری به جمعیت، مسائل اجتماعی و فرهنگی، و آماده‌سازی تحلیل‌ها و گزارش‌های جامع اثرات زیست‌محیطی داشته باشند. دوم اینکه برنامه‌ریزی هنگام بررسی فضاهای زندگی روزمره، روابط فضایی بین ابعاد مختلف آن و فرایندهای موجد آنها، با جغرافیا همپوشانی دارد. چراکه جغرافیا این درک از فرآیندهای اجتماعی و فیزیکی را در بستر مکان قرار می‌دهد. روابط بین محیط‌های پویا و جمعیت در مکان‌های مختلف و در مقیاس‌های چندگانه مطالعه شده و جغرافیا یک مطالعه‌ی یکپارچه را از روابط پیچیده بین افراد، مکان‌ها و محیط‌زیست ارائه می‌دهد (Carrillo, 2006). در نتیجه، برنامه‌ریزان از دیدگاه‌های اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی بر ساختار شهرها و زندگی شهری، روستا و توسعه منطقه‌ای، وضعیت اقتصادی و محیط زیست، فرهنگ و جمعیت تأثیر می‌گذارند. از آنجا که برنامه‌ریزی به منابع طبیعی محدود مانند استفاده از زمین، آب و هوا نیز مربوط می‌شود که پیش‌نیازهای اساسی برای انسان و همه موجودات زنده هستند. اصولاً، برنامه ریزی به عنوان یک کوشش هدفمند و سازمان یافته، هم متکی به فعالیت ذهنی و شناختی و هم متکی به فعالیت عملی است.

برنامه ریزی شهری، در ساماندهی محیطی ساختارهای کالبدی است. کسی که تصمیم می‌گیرد در ساختار محیطی دخالت نماید و آن را تغییر دهد و دوباره سامان دهد، برنامه ریز شهری است. کار یک برنامه ریز، خلق آینده و کار یک برنامه ریز شهری، خلق فضاها و بهینه سازی آن‌ها و یا ساختار بخشیدن به ساختار فضایی و محیطی شهر است. برنامه ریزی شهری دارای جنبه فیزیکی است. آغاز برنامه ریزی شهری از آمستردام و در سال ۱۹۳۴ بود. برنامه ریزی یک فعالیت عام انسانی است ولی برنامه ریزی شهری دارای ویژگی‌هایی است که امکانات و محدودیت های آنرا تعیین می‌کند و نحوه استفاده درست از آن را نشان می‌دهد. به نظر برخی از نظریه پردازان، اهم این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- برنامه ریزی شهری در درجه اول با موضوعات عمومی سر و کار دارد که به منافع مختلف گروه‌های اجتماعی مربوط می‌شود.
- فعالیتی سنجیده و آگاهانه است که به اشخاص کار آزموده به عنوان برنامه ریز احتیاج دارد.
- اهداف کلان و خرد و همچنین وسایل دسترسی به آن‌ها، معمولاً در برنامه ریزی شهری بسیار نامعین و غیر قطعی است. از یک طرف برنامه ریزی شهری با نیازها، خواسته‌ها، ارزش‌ها و سلیقه‌های مردم سر و برنامه ریزان به ندرت تصمیم می‌گیرند، آنان گزینه‌های مهم و توصیه‌ها را برای اخذ تصمیم مسئولان مطرح می‌سازند.
- برنامه ریزان شهری از روش‌ها و ابزارها تخصصی گوناگون در تحلیل و استنتاج استفاده می‌کنند.
- نتیجه اغلب فعالیت‌های برنامه ریزی شهری پس از ۵ تا ۲۰ سال مشخص می‌شود و بنابراین بازنگری و اصلاح در فعالیت‌ها بسیار دشوار است (Turner, 1990).

برنامه ریزی شهری، مکانیزم اقتصادی شهر که به صورت ارزش زمین، اجاره بها، مخارج ساختمان و غیره، مکانیسم اجتماعی شهر شامل سنت‌ها، عادات اجتماعی، فرهنگ و مذهب و مکانیسم کالبدی و تقسیمات ناشی از آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. برنامه ریزی شهری با آینده نگری خاصی که در جهت توسعه آینده شهر دارد، می‌تواند با بهره گیری از آمار و اطلاعات و در دست داشتن نبض‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر به تجزیه و تحلیل مسائل شهر پرداخته و با بهره گیری از امکانات و یا به حداقل رسانیدن و یا کاهش محدودیت‌ها، با ارائه طرحی جامع دقیق و گویا با دربرداشتن کلیه امکانات رفاهی به پیشنهادات لازم بپردازد.

توسعه شهری

به صورت معمول، توسعه مستلزم تلاش برای بهبود وضعیت زندگی مردم است. توسعه تنها درباره افزایش ثروت نیست، توسعه یعنی تغییر، تغییر در رفتار، آرمانها و روشی است که فرد دنیای اطراف را بازمی شناسد و نسبت به آن واکنش نشان می دهد. توسعه اقتصادی به خودی خود تشکیل دهنده توسعه نمی باشد بلکه علاوه بر آن توسعه شامل تغییر در رفتار انسانها و نهادها نیز می باشد و به صورت گسترده تری کیفیت زندگی را نیز در مواردی از قبیل امید به زندگی، رعایت اصول اخلاقی، اکتساب فرهنگی، دستیابی به آزادی های اولیه، غذا، منزلت اجتماعی و رفاه معنوی را نیز در برمی گیرد (لطیفی، ۱۳۸۸).

سه عامل فرهنگ، اقتصاد و اقلیم، مشخصه های کالبدی، شکل و ساخت و ریخت شناسی شهری را به وجود می آورند. فرهنگ های متفاوت، نظام های اقتصادی متفاوتی را خلق می کنند و توان تغییر اهداف اقتصادی و سیاسی یک جامعه را دارند. چون درک کامل یک ساخت و یک نظام اقتصادی بدون دانستن پایه و اصول فرهنگی آن نظام میسر نیست، می توان گفت که فرهنگ یک جامعه نوع اقتصاد و اقتصاد آن جامعه، نوع تکنیک، و نوع تکنیک ساخت و نظام کالبدی آن جامعه را مشخص میسازد (زیاری، ۱۳۹۴).

ابعاد توسعه شهری

توسعه شهری که متوازن کردن و ایجاد ارزش در ابعاد گوناگون توسعه (شامل توسعه کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، و سازمانی نهادی) را در شهرها، با استفاده از دانش و در زمینه دانش هدف قرار می دهد، دارای چهار بُعد اصلی زیر است:

- **بعد اجتماعی- فرهنگی:** در این بعد از توسعه در شهرها، پیشرفت به سوی ایجاد جامعه دانش هدف است که در آن تولید، توزیع، انتشار، استفاده، و یکپارچگی دانش و اطلاعات یک فعالیت معنادار اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی به شمار می رود. امروزه نقش فرهنگ در برنامه ریزی ها به خصوص برنامه ریزی شهری و منطقه ای پررنگتر شده و برنامه ریزان شهری و منطقه ای نیز این ضرورت را دریافته اند و می بایست فرهنگ را در برنامه کار خود قرار دهند، از این رو هر نوع برنامه ریزی شهری و منطقه ای باید بحث فرهنگ و هویت فرهنگی را در برنامه کار خود قرار دهد. فرهنگ به عنوان یک عامل اصلی در برنامه ریزی، در آینده توسعه نقش و جایگاه مهمی را ایفا می کند، که عدم توجه به آن در برنامه ریزی؛ تأثیرات منفی زیادی بر جای می گذارد. در نتیجه می توان ملاحظات اجتماعی و فرهنگی توسعه شهری را بدین صورت تقسیم بندی کرد:

- محور بودن انسان و نیازهای او.
- مقابله با انفجار جمعیت شهری و کاهش نرخ رشد جمعیت تا نزدیک به صفر.
- اهمیت دادن به هویت و ویژگی های خاص هر شهر و حفظ و تقویت ارزش های مثبت فرهنگ محلی.
- کاهش فقر و کاهش اختلافات طبقاتی.
- تغییر در رفتارها برای ایجاد تغییر در الگوهای مصرف بی رویه منابع (Yuksel, 2007).
- بسیج همگانی و جوانان و کودکان برای مشارکت در آموزش و ارتقا سطح فرهنگ زیست محیطی.
- توزیع عادلانه و متعادل امکانات بین مناطق شهری.

- **بعد شهری- محیطی:** این بعد به توسعه محیط های طبیعی و نیز ساخته شده مربوط است و هدف آن با نیازهای انسانی (شامل نه فقط نیازهای کنونی، بلکه نیازهای نسل های آینده نیز) را در عین نگه داشت محیط است و تلقیات مرتبط با سیستم های طبیعی را به چالش های اجتماعی فراوری انسان پیوند می زند. در نتیجه می توان ملاحظات زیست محیطی توسعه شهری را بدین صورت تقسیم بندی کرد:

- جریان خطی مواد و مصالح (داده ها) ورودی به سیستم شهری باید حتی الامکان به یک جریان چرخه ای نزدیک شود. (بازیافت مصالح- استفاده مجدد)
- مطالعات جدی دقیق و ارزیابی آثار زیست محیطی طرح های توسعه شهری.
- تعریف آستانه های زیست محیطی و ظرفیت تحمل محیط.
- اطلاعات سیستم های محیط زیست باید جمع آوری و تدوین گردد و شاخص های کنترل کننده تعریف شوند.
- کاهش آلودگی های مختلف هوا، صدا، زباله، فاضلاب.
- سالم سازی و بهداشت محیط زیست شهری.

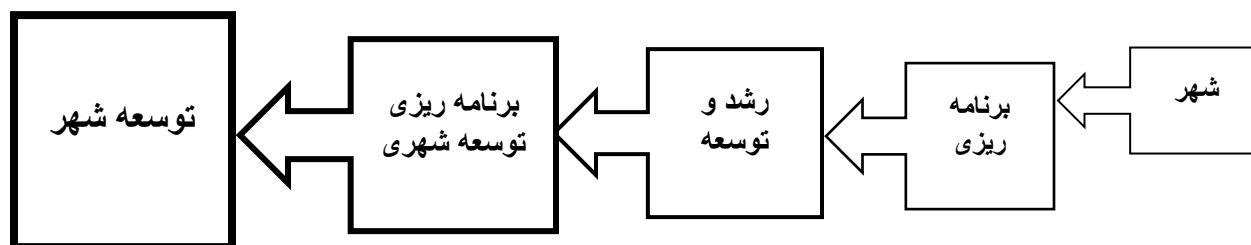
- ایمن سازی شهر برای پیشگیری از آثار سوانح و به حداقل رساندن خسارت.
- **بعد اقتصادی:** در این بعد هدف توسعه در شهرها، شکل دهی اقتصاد دانش است که به معنای استفاده از دانش برای ایجاد منفعت اقتصادی است. در نتیجه می توان ملاحظات اقتصادی توسعه شهری را بدین صورت تقسیم بندی کرد:
 - شناسایی و تعریف تکنولوژی ها، موارد و محصولات غیرپایدار و جلوگیری از تولید و استعمال آن ها در آینده.
 - تشویق عدم تمرکز صنایع.
 - تشویق صنایع کوچک شهری و خود اشتغال (Knieling, 2009).
 - پیشگیری از مهاجرت های بی رویه
 - تغییر الگوهای تولید، توزیع و مصرف مصالح.
 - تامین رشد و توسعه اقتصادی شهر.
 - تامین کالاهای مورد نیاز در شهر (حتی الامکان) برای کاهش فاصله مکانی و کاهش مصرف انرژی.
 - کاهش هزینه های سرانه خدمات شهری برای بالا بردن کارایی اقتصادی اداره شهر.
- **بعد سازمانی - نهادی:** در این بعد توسعه شهری هدف، هماهنگ کردن ابعاد توسعه و گرد هم آوردن همه عوامل سیاستگذاری و اجرای سیاست های شهری، همراه با منابع کلیدی لازم برای سازماندهی و تسهیل فعالیت های مبتنی بر دانش در برنامه ریزی راهبردی شهر است. در نتیجه می توان ملاحظات سازمانی و نهادی توسعه شهری را بدین صورت تقسیم بندی کرد:
 - مکانیابی دقیق و طراحی و برنامه ریزی بهینه برای شهرهای جدید.
 - احاطه کردن شهر با اکوسیستم هایی که تولیدکننده هستند یا می توانند زباله ها و فاضلاب های انسانی را جذب و تجزیه کنند.
 - تشویق دانش تجربی محلی و ابتکار و خلاقیت در زمینه ساخت و ساز.
 - توزیع نظام یافته شهرها در فضا، بر اساس سلسله مراتب و متناسب با ظرفیت حمل بستر اکولوژیک هر شهر.
 - در نظر گرفتن موقعیت خاص زیست محیطی شهر به عنوان یک عامل کلیدی در برنامه ریزی توسعه.
 - طراحی ساختمان ها بر اساس استفاده از انرژی های پاک و رواج استفاده از آن ها در شهر.
 - طراحی ساختمان ها بر اساس صرفه جویی در مصرف انرژی.
 - استفاده از سیستم یکپارچه حمل و نقل عمومی.
 - تولید مواد و مصالح ساختمانی با حداقل تخریب و آسیب رسانی به محیط.
 - تعیین ضوابط برنامه ریزی و طراحی شهری برای کاهش آلودگی هوا و صدا و آلودگی های بصری.
 - برنامه ریزی و طراحی برای افزایش و کارایی هرچه بیشتر فضاهای سودمند از نظر بیولوژیکی.
 - تجدید نظر در ضوابط و آیین نامه های ساختمانی به لحاظ میزان مصرف مواد و مصالح ساختمانی.
 - توجه دقیقی به مسئله تداوم حیات ساختمان ها برای چند نسل متوالی (دوام پذیری)
- یکی از خصلت های مهم برنامه ریزی شهری و منطقه ای، آمیختگی آن با دو مقوله فضایی و غیر فضایی است که بایستی خواست ها را به صورت فضایی طرح کند و راه های تأمین آن ها را در فضا مشخص سازد. با توجه به پیچیدگی مفهوم فضا و تقسیم آن به عنوان فضاهای کالبدی، ادراکی، اجتماعی و نمادین، می توان دریافت که برنامه ریزی شهری بسیار دشوارتر و پیچیده تر از سایر عرصه های برنامه ریزی است. به نظر پیتز هال مشکلات برنامه ریزی شهری به دو منشأ اصلی زیر بر می گردد: اولاً اطلاعات مورد نیاز در برنامه ریزی شهری و تخصص های مورد نیاز آن بیشتر از سایر فعالیت های برنامه ریزی است و تقریباً عرصه تمام تجارب انسانی را در بر می گیرد. ثانیاً موضوع مشکل تر در برنامه ریزی شهری تعیین اهداف و انتخاب گزینه مناسب در میان انبوه گزینه های مختلف است که با تنوع نظرات و تمایلات گروه های متعدد ارتباط و درگیری دارد. در واقع برنامه ریزی شهری به دلیل ابعاد کالبدی، اجتماعی و مدیریتی ضرورتاً چند بعدی و چند منظوره است.
- در برنامه ریزی شهری، مفهوم زیست پذیری در مفهوم اصلی و کلی خود، دستیابی به قابلیت زندگی است و در واقع دستیابی به کیفیت برنامه ریزی شهری خوب و مکان پایدار است. در بسیاری از متون، زیست پذیری و کیفیت زندگی به صورت مترادف بیان شده اند. کیفیت زندگی شهروندان،

به میزان دسترسی آنها به زیرساخت‌ها (حمل و نقل، ارتباطات، آب و بهداشت)، غذا، هوای پاک، مسکن مناسب، شغل راضی کننده، فضای سبز و پارک‌ها بستگی دارد. همچنین زیست پذیری یک سکونتگاه، به میزان دسترسی ساکنان آن به مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری به منظور تأمین نیازهایشان نیز بستگی دارد. یک مکان زیست پذیر باید امن، جذاب، دارای پیوستگی و انسجام اجتماعی، امکانات آموزشی، مسکن متنوع و قابل استطاعت، فضاهای عمومی باز، مراکز خرید محلی، خدمات سلامت و بهداشت مناسب، پایداری زیست محیطی، امکانات و تسهیلات فرهنگی و تفریحی، حمل و نقل عمومی مناسب و بهینه و زیرساخت‌های مناسب برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری باشد (قلی پور، ۱۳۹۹).

برنامه ریزی توسعه شهری

در سال ۱۹۹۵، چارلز لاندردی و فرانکو بیانچینی کتاب شهر خلاق را به عنوان بیانیه روشن نظریه برنامه ریزی توسعه شهری منتشر کردند. ایده شهر خلاق پاسخی به مشکلات شهری در بحران بین المللی در جریان انتقال به اقتصاد جهانی و صنعتی بود. ایدئولوژی آنها در پی تغییر رویه برنامه ریزی سنتی (بر مبنای راه حل های کالبدی) به سوی ارتقای محیط های شهری و تقویت جو خلاقیت و توسعه از طریق همکاری های جدید بود.

برنامه ریزی توسعه شهری به رویکردهای مفهومی، علمی، و طراحی برنامه ریزی استفاده از زمین توجه دارد ساده ترین تعریف برنامه ریزی شهری عبارت است از ساختاردهی تمام عناصر برنامه ریزی یک شهر بزرگ/ کوچک یا محیط شهری دیگر، با استفاده از ابزارهای مختلف برنامه استفاده از زمین، برنامه عملیاتی یا برنامه استراتژیک، طرح ساختاری همه بخش هایی از برنامه ریزی شهری هستند (Wai, 2007). برنامه ریزی شهری و منطقه ای به منظور رسیدن به کمال مطلوب و نهایی خویش (توسعه پایدار، تعادل و توزیع همگن منابع و امکانات) با علوم مختلفی از قبیل محیط زیست، اقتصاد، جامعه شناسی و... ارتباطی تنگاتنگ دارد. از اینرو می توان بیان داشت که شهر پایدار به شهری اطلاق می شود که به دلیل استفاده اقتصادی از منابع، اجتناب از تولید بیش از حد ضایعات، و بازیافت آن ضایعات تا حد امکان و پذیرش سیاست های مفید در دراز مدت، قادر به ادامه حیات خود باشد. از مشخصات شهر پایدار در مقابل شهرهای نوگرا وجود حجم زیاد خروجی است. برنامه ریزان شهر پایدار باید هدف شان را بر مبنای ایجاد شهرهایی با ورودی کمتر انرژی و مصالح و خروجی ضایعات و آلودگی کمتر متمرکز کنند. (دانشپور، ۱۳۹۴).



نمودار ۱۰. مراحل سیر توسعه شهرها

توسعه شهری موفق بستگی به مناسب سازی اصول و سیاست های عمومی طراحی با شرایط محلی نواحی یا سایت ها (مکان ها) و برنامه ریزی های دقیق دارد. برای این منظور برنامه ریزی، ابزار مناسبی بوده و علاوه بر آن، در بازتاب نیازها و فرصت های محلی نقش مهمی ایفا می کند. این برنامه ریزی به مسئولین محلی کمک می کند تا سیاست های توسعه شهری را به ایده های مشخص طراحی تبدیل کنند که برای سایت ها و مکان های خاص و در رابطه با مسایل خاص شهرسازی استفاده باشند. برنامه ریزی زمانی موثر می افتند که اصول طراحی توسعه را به تعدادی ایده طراحی تبدیل کنند که هم مناسب شرایط اقتصادی و هم شرایط محل و موقعیت آن باشد. برنامه ریزی می تواند توسط ادارات محلی، صاحبان زمین، سازندگان و شرکای آنها، سازمان های تجاری و اجتماعی، که تمامی آن ها باید در فرایند مذکور مداخله کنند، به صورت گروهی تهیه شوند. سازوکار هدایت طراحی توسعه شهری می تواند موجبات پشتیبانی از سیاستهای طراحی و برنامه ریزی را فراهم آورده، فرایند مشارکت را تسهیل نموده، چشم انداز را تدوین کرده، استانداردهای طراحی را تعیین ساخته و گام های بعدی را معین نماید. برنامه ریزی سعی بر آن دارد تا سیاست های تدوین شده در برنامه چارچوب توسعه محلی را در جهت دستیابی به ایده های روشن طراحی برای محدوده ها و یا سایت های مشخص و یا در ارتباط با موضوعات خاص طراحی یا برنامه ریزی به طور کاملاً مکانی شده توسعه دهد.

به نظر بحرینی توسعه پایدار شهری باید دارای آنچنان پایه اقتصادی باشد که نه تنها کمترین اثر مطلوبی را بر محیط زیست نداشته باشد، بلکه در احیا و ارتقای کیفیت آن نیز موثر باشد. به عبارت دیگر ورای راه حل های محدود و متعارف، مسائل اجتماعی و زیست محیطی را مورد توجه قرار داده آنها را با یک دید وسیع و جامع بنگرد. (واعظ زاده، ۱۳۸۰). از سوی دیگر به جنبه های کالبدی و فیزیکی شهر و نیز توسعه بهینه آینده

شهر به ویژه در بخش مسکن توجه داشته باشد و از نظر کاربری های شهری هماهنگ و منسجم عمل نماید و مشارکت شهروندان را در حل تمامی مشکلات شهری دارا باشد. به عبارت دیگر توسعه پایدار شهرها جهتی از پایین به بالا در امر برنامه ریزی و مدیریت شهری در سطح محلات و مناطق شهری داشته و فرهنگ شهرنشینی و شهرگرایی (تولید، توزیع و مصرف) در سطح شهر به وضوح دیده شود و در نهایت شهری باشد برای همه شهروندان می توان گفت توسعه شهرها از نظر رشد و توسعه اقتصادی درآمدزا، اشتغال زا است و می تواند نیازهای اساسی مادی و معنوی شهروندان را برآورده سازد و از نظر فرهنگی امکانات لازم برای برخورداری از سطح سواد را برای همگان فراهم آورد، از نظر عدالت اجتماعی نیز زمینه مشارکت مردم، دموکراسی، آزادی بیان، مدیریت منابع انسانی سالم توأم با امکانات تفریحی و فراغت برای همه شهروندان ایجاد نماید (Zakere, 2012). از نظر زیست محیطی به وضعیت بهداشتی و سلامت جامعه از تمامی ابعاد بالاخص آب آشامیدنی سالم و تصفیه شده، خدمات بهداشتی و درمانی متوازن در سطح شهر و همچنین آلودگی هوا، منابع آب و خاک را به حداقل ممکن برساند. به عبارت کلی تر می توان گفت در توسعه پایدار شهرها، هم کرامت انسانی متعالی می گردد هم اینکه محیط زیست و بهره برداری صحیح از آن مورد توجه قرار می گیرد.

نتیجه گیری

به طور کلی برنامه ریزی شهری، ضمن آنکه می تواند از سادگی برخوردار باشد، به طور عملی نکاتی دقیق و بسیار مهم را در خود نهفته دارد که اگر مورد مطالعه واقع نشوند، موفقیت طرح ها را تحت تأثیر قرار می دهند. اصل مطالعاتی یک طرح جامع و برنامه ریزی به منظور تأمین آینده بهتر برای شهرها، شامل موارد بسیاری می شود. برنامه ریزی شهری شامل مجموعه مطالعات، اقدامات و فرآیندهای مختلف در بسترهای شهری است و دارای فرضیه های مختلف در خصوص مدیریت می باشد. طبیعت توسعه های شهری در این خصوص نیازمند برنامه ریزی ویژه ای در زمینه های شهری است. از دیدگاه بسیاری از برنامه ریزان شهری، توسعه شهرها باید از نظر رشد و توسعه اقتصادی، درآمدزایی و اشتغال بتواند نیازهای شهروندان را تامین نماید و از نظر زیست محیطی به وضعیت بهداشتی و سلامت شهرنشینان توجه نموده و مسائلی و مشکلاتی از نظر آلودگی هوا، آب و فاضلاب و فضاهای سبز و گذران اوقات فراغت و ... نداشته باشد. از طرفی در توسعه شهرها باید رویکردهای فرهنگی هم در برنامه ریزی ها گنجانده شوند و بر اساس این رویکردهای فرهنگی نیازهای گوناگون مردم شهر، تنوعات فرهنگی و اجتماعی گروههای مختلف ساکن در شهر، ویژگیهای تاریخی و بسیاری از عوامل فرهنگی دیگر با دقت در برنامه ریزی شهری و توسعه ای در نظر گرفته شود. چرا که در صورت نادیده گرفتن این ویژگی ها و ابعاد فرهنگی ممکن است برنامه های توسعه شهری نه تنها با شکست روبرو شوند بلکه موجب تخریب و ویرانی منطقه و ایجاد بحران های مختلف در شهر شوند.

منابع و مآخذ

- جوادی، اردشیر (۱۳۸۷) نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار شهرها.
- دانشپور، ز. (۱۳۹۴) درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تأکید ویژه بر نظریه های برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- زیاری، کرامت اله (۱۳۸۲) تأثیر فرهنگ در ساخت شهر، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۲: ص ۹۵-۱۰۸.
- قلی پور، جهانگیر (۱۳۹۹) توسعه پایدار در معماری سبز (با نگاهی بر مراکز اطلاع رسانی)، کرج، انتشارات آذرگان.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۸) دیدگاه هایی از توسعه، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- واعظ زاده، ساجده، نقدی، اسدالله، ایاسه علی (۱۳۹۴) مولفه های پایداری اجتماعی در برنامه های توسعه ایران، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۲.
- Boggia. A., Cortina. C (2010). Measuring sustainable development using a multicriteria model, Journal of environmental management, Vol. 91, Issue 11, 2301-2306.
- Carrillo, F.J. Knowledge Cities: Approaches, Experiences and Perspectives, Elsevier, 2006
- Habermas, J. (1994). "Citizenship and National identity" in B. van steenberergen, ed., the condition of citizenship London: say.
- Graham H., Colin H (2005). Sustainable Cities, published in the Taylor and Francis eLibrary.
- Knieling, J & F. Othengrafen (2009). "Planning Cultures in Europe:Decoding Cultural Phenomena", in Urban and Regional Planning, Germany: HafenCity University.
- Turner B. S. (1990). "outline of a theory of citizenship" in B. S Turner and P. Hamilton, ed., citizenship critical concepts, London: rout ledge.
- Wai Gay, Chak ., (2007). Tourism in Comprehensive Perspective, Translation by Ali Parsayian and Seyed Mohammad Arabi, Cultural Studies Publishers, Tehran, Fourth Edition. (In Persian)
- Yuksel, I and Divinen, M.D (2007). Using the Analytic Network Process (ANP) in a SWOT Analysis – a Case Study for Textile Firm, Information Sciences, No, 177.
- Zakere Haghighi, K., and Razmi, M. H., (2012). The Role of Urban Planning in Sustainable Urban Tourism Development, Tourism and Sustainable Development Conference, Islamic Azad University, Hamedan Branch, PP. 1-11. (In Persian)